

تبیین رابطه نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)

هوشنگ نابی^۱

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مهدی میرزایی

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی پردیس البرز دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۹ - تاریخ تصویب: ۹۶/۷/۱۲)

چکیده

تبیین رابطه نوع دینداری با فرهنگ سیاسی به‌عنوان هدف اصلی این تحقیق پس از مشاهده نتایج متناقض و متفاوت یافته‌های پژوهشی در این زمینه مطرح شد. در این تحقیق پس از مرور ادبیات تجربی و نظری براساس چارچوب نظری جامعه‌پذیری سیاسی و نظریات مرتبط با رابطه دین و دموکراسی، فرضیه اصلی تحقیق بدین صورت مطرح شد که نوع دینداری برحسب نوع قرائت و فهم از دین تعیین‌کننده نوع فرهنگ سیاسی برحسب نوع قرائت و فهم از فرهنگ سیاسی است. به‌طوری‌که نوع دینداری سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرایانه به‌ترتیب به نوع فرهنگ سیاسی سختگیرانه (توسعه‌نیافته)، معتدل (توسعه‌یافته) و تساهل‌گرایانه (توسعه‌نیافته) منجر می‌شود. روش انجام تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه به‌صورت مصاحبه بسته است. جمعیت آماری تحقیق، مردم شهر تهران است. تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری احتمالی از ۶۰ بلوک تصادفی از مناطق ۲۲گانه تهران انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از میانگین، جدول توزیع فراوانی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. نتایج تحقیق فرضیات تحقیق را تأیید کرد. براساس نتایج تحقیق نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین رابطه نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی دارد.

واژگان کلیدی

قرائت و فهم، نوع دینداری، نوع فرهنگ سیاسی.

مقدمه

رابطه بین دین و سیاست از جمله موضوعات مناقشه‌برانگیز در حوزه اندیشه سیاسی و دینی است که به‌وضوح در مجامع علمی و در بین اندیشمندان و آثارشان مشاهده می‌شود. پژوهش در این زمینه در جهان به‌ویژه کشورهای غربی رواج گسترده‌ای دارد، به‌طوری‌که قدمت پژوهش آکادمیک در آنها، در مقایسه با جوامع مذهبی چون ایران که از قضا به پیوند این دو مقوله تأکید فراوانی دارند، بسیار بیشتر است، به‌طوری‌که این مطلب را با جست‌وجوی اندکی در تارنماهای علمی و پژوهشی و با مراجعه به کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی می‌توان دریافت. این در حالی است که در این جوامع، اگر نگوئیم تمام آن، حداقل دولت‌های حاکمه غیردینی‌اند. در کشور ما نیز مطالعه در این زمینه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی افزایش یافته، چراکه طرح‌های تحقیقاتی ملی، پایان‌نامه‌ها، مقالات، مجلات علمی و پژوهشی و... خود مؤید این مطلب است. شاید بتوان گفت این امر ناشی از بر سر کار آمدن حکومتی دینی در کشورمان باشد که علاوه بر به‌وجود آوردن فضای مذهبی در جامعه، خود به‌خصوص از این‌گونه مطالعات حمایت کرده است، چراکه نظام جمهوری اسلامی تلاش بسیاری دارد که دین را در متن جامعه، به‌ویژه در حوزه سیاست وارد کند و این تلاش را به‌طور چشمگیری در انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها و البته با انقلابی دینی در سال ۵۷ نشان داده است. تحقیق حاضر در سطحی خردتر در حوزه دین و سیاست به رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی پرداخته است.

بیان مسئله

تعاریف متعددی از فرهنگ سیاسی موجود است. دانشمندان متعددی از جمله لوسین پای (۱۳۷۰)، گابریل آلموند (۱۹۵۶) و پای و وربا (۱۹۶۵) ... مبادرت به تعریف فرهنگ سیاسی کرده‌اند. لوسین پای (۱۳۷۰: ۳۹) می‌گوید: «تصور ما از فرهنگ سیاسی بر این فرض مبتنی است که نگرش‌ها، احساسات و ادراکات حاکم بر رفتار سیاسی در هر جامعه، انبوهی از امور صرفاً تصادفی نیستند، بلکه نمایانگر الگوهای سازگاری هستند که با هم تناسب دارند و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. با وجود امکان بسیار زیاد پراکندگی در جهت‌گیری‌های سیاسی، فرهنگ سیاسی محدود و متمایزی در هر جامعه وجود دارد که به فرایند سیاسی معنا می‌بخشد و آن را شکل می‌دهد. مفهوم فرهنگ سیاسی بر این فرض استوار است که هر فرد در زمینه تاریخی خویش باید چیزهایی را بیاموزد و به درونی کردن معرفت و احساسات مربوط به سیاست در جامعه و مردم خویش اقدام کند. معنی این سخن آن است که فرهنگ سیاسی یک جامعه محدود بوده و ساخت بنیادی آن نتیجه عوامل اصلی در روان‌شناسی پویای آن است. هر نسل، سیاست را از نسل قبل به ارث برده و هر یک باید در برابر آن فرایند، واکنش

نشان دهند تا سیاست خاص خویش را بیابند. فرایند کلی نیز باید تابع قانونی باشد که بر توسعه شخصیت فردی و فرهنگ عمومی جامع حاکم است.

فرهنگ سیاسی را می‌توان تحت تأثیر عوامل متعددی همچون توسعه اقتصادی - اجتماعی (اینگلهارت، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۹)، تحول در ساختار قدرت (بشیریه، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (Rostow, 1960: سریع‌القلم، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۶)، مذهب (Lipset, 1964: اینگلهارت، ۱۳۸۷) و... قرار دارد. فرهنگ سیاسی تحت تأثیر عوامل جامعه‌پذیری نیز است که عبارت‌اند از: خانواده، محیط‌های آموزشی (کوئن، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۰؛ گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۳؛ آگبرن و نیمکف، ۱۳۴۵: ۱۲۶-۱۲۳؛ Almond & Verbal; 1963)، گروه‌های همسالان، رسانه (کوئن، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۰؛ گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۳)، گروه‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و باشگاه‌ها که اشخاص بالغ را در امور مربوط به کسب‌وکار، دینی و تبلیغاتی، گذران اوقات فراغت، دور هم جمع می‌کنند، پیوسته در کار ساختن و بازساختن شخصیت اجتماعی‌اند. وسایل ارتباط گروهی: رادیو، تلویزیون روزنامه، مجلات، سینما و مراسم و آیین‌های دینی بر رفتار اجتماعی افراد، عمیق‌تر از آنچه ظاهراً احساس می‌شود، تأثیر می‌گذارند. به‌طور کلی، می‌توانیم همه آنها را کارگزاران یا عاملان جامعه‌پذیری بدانیم (نیک‌گهر، ۱۳۷۳: ۶۰-۵۸)، البته می‌توان از بسیاری از آنها به‌عنوان عوامل جامعه‌پذیری سیاسی نیز نام برد. چنانکه مایکل راش (۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۷) از خانواده، نظام آموزشی، گروه‌های همسالان، رسانه‌ها، گروه‌های کار، فراغت و مذهبی و آلموند و وربا (۱۹۶۳) از خانواده، مدرسه و شغل، به‌عنوان عوامل جامعه‌پذیری سیاسی نام برده‌اند. شاید بتوان گفت در ایران با توجه به دینی بودن حکومت و تأکید بر آن در تمامی عرصه‌ها، روند توسعه سیاسی در وجه فرهنگی بیشتر تحت تأثیر جهت‌گیری افراد باشد.

غافل شدن تحقیقات انجام‌گرفته در سنجش رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی از تأثیر نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی در تعیین نوع رابطه دو متغیر مذکور و نتایج متناقض در سنجش رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی از علل پرداختن به این مقاله است. مدعای مقاله این است که نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی در تعیین نوع رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی تأثیرگذار است. برخی از تناقضات نتایج تحقیقات در سنجش رابطه بین دو متغیر مورد نظر ناظر بر موارد زیر است: در بعضی تحقیقات با عناوین مختلف، دینداری را عاملی مثبت در توسعه فرهنگ سیاسی می‌دانند (Lipset, 1981; Busch,; 1998: Busch,; 1998: فرزانفر، ۱۳۸۲: الف، ۱۳۸۳: اب؛ Eisenstein, A., 2006: جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱). تحقیقات دیگری دینداری را عاملی بی‌تأثیر، ضعیف یا منفی در توسعه فرهنگ سیاسی می‌دانند (Karpov, 1999: بیات‌ریزی، ۱۳۷۹: افشانی، ۱۳۸۰: حق‌خواه، ۱۳۸۵؛ Postic, 2007: شایگان، ۱۳۸۶؛ احمدی، ۱۳۸۷؛ گلچین و همکاران، ۱۳۸۷). بعضی از تناقضات در تحقیقات ناظر بر آن است که متن و تعالیم اسلامی نشان از اثر مثبت آموزه‌های دینی بر بعد

تساهل سیاسی فرهنگ سیاسی دارد (قریب، ۱۳۸۲؛ فرزانه‌فر، ۱۳۸۳ الف، ۱۳۸۳ ب). در مقابل در تحقیقات دیگر دینداری اثری منفی، ضعیف یا خنثی بر فرهنگ سیاسی دارد. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که رابطه بین دینداری و فرهنگ سیاسی چگونه قابل تبیین است؟ یا نوع فهم و قرائت از دین و فرهنگ سیاسی چه تأثیری بر تعیین رابطه بین دینداری و فرهنگ سیاسی دارد؟ بنابراین هدف از نگارش این مقاله، تبیین رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی است. به عبارت دیگر، روشن کردن این مسئله است که نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی چه تأثیری در تعیین نوع رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی دارد.

پیشینه تجربی

رضا بیات‌ریزی (۱۳۷۹) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود از روش پیمایش، ابزار پرسشنامه و نمونه‌گیری سهمیه‌ای از دانشجویان دوره کارشناسی استفاده کرده است. بخش نظری مطالعه از نظام کنش پارسونز و نیز تحقیق آلموند و وربا در مطالعه تطبیقی پنج کشور الهام گرفته است. نوع قرائت از دین، قوم‌گرایی و متغیر الگویی ماهیت‌گرایی و عملکردگرایی نسبت به سازه نظری تأثیر مخالف دارند. علی ربیعی (۱۳۸۰) در اثر خود در پی تبیین رفتار رأی‌دهندگان در انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور دوره هفتم بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عامل دین و ارزش‌های دینی از جمله عوامل تعیین‌کننده در رفتار سیاسی یادشده است. «براساس این تحقیق از نظر شهروندان تهرانی در میان ۴۸ دلیل برای پیروزی آقای خاتمی تقوا، صداقت و خصوصیات فردی، از جمله وابستگی به امام، رتبه دوم را کسب کرده است. همچنین قرار گرفتن گوئی و وابستگی آقای خاتمی به خاندان مذهبی در رتبه هشتم از میان بیست‌ودو گوئی ارزشی مؤید همین معناست» (ربیعی، ۱۳۸۰: ۲۳۶). براساس داده‌های دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که بر روی پنج‌هزار نفر از افراد ساکن در مراکز استان‌ها انجام گرفته است، بیشترین و کمترین مشارکت مردم به ترتیب در هیأت‌های مذهبی و انجمن‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی است. اما مشارکت سیاسی مردم در حد بسیار بالایی (۷۴/۶) است. مژگان حق‌خواه (۱۳۸۵) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده استفاده کرده است. وی برای سنجش فرهنگ سیاسی دموکراتیک از مدل روزن‌بام (۱۹۷۵) استفاده کرده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که میزان فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین افراد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر، دینداری سکولار، مشارکت مدنی مدرن، تجربه بالای ارزش‌های دموکراتیک در خانواده، دوستان، محیط کار و فضای آموزشی بیشتر است. فریبا شایگان (۱۳۸۶) در پایان‌نامه دکتری خود به روش پیمایش به بررسی رابطه دینداری و اعتماد

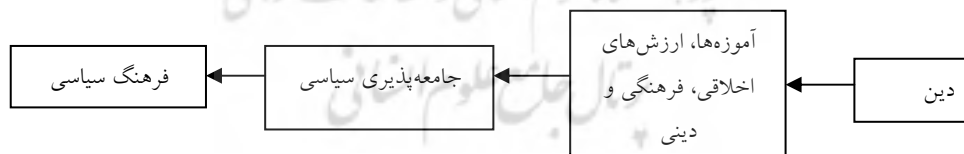
سیاسی پرداخته است. یافته‌های تحقیق وی نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی پاسخگویان در حد متوسط و اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. میزان دینداری افراد بر اعتماد سیاسی آنان تأثیر دارد و اعتماد سیاسی دینداران رادیکال بیشتر و دینداران سکولار کمتر از سایر انواع دینداران است. تأثیر سایر متغیرهای کنترل بر رابطه دینداری و اعتماد سیاسی تأیید شد و در کل همبستگی میزان دینداری و اعتماد سیاسی با تفکیک تأثیر سایر متغیرها ۲۸ درصد بود. نتایج تحقیق امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که ارتباط مستقیمی بین سطح دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد؛ براساس این تحقیق می‌توان انتظار داشت در جوامع مذهبی میزان مشارکت سیاسی افراد بالاتر باشد. سید علیرضا افشانی (۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان دینداری فرد و میزان تساهل سیاسی او رابطه معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه فرد دیندارتر باشد، از تساهل سیاسی کمتری برخوردار است. اعضای انجمن اسلامی دانشجویان از تساهل سیاسی برخوردارند. ماری‌ای. ایزنشتاین (۲۰۰۶) در تحقیق خود با انتقاد از توجه اندک به نقش دین در آثار تجربی بی‌شمار در مورد مدارای سیاسی در ایالات متحده شروع می‌کند. یافته تحقیق وی بدین شرح است که رابطه منفی نوعاً نشان داده شده بین دینداری (التزام و اعتقاد دینی) و مدارای سیاسی دیده نمی‌شود و سهم دین در برابر تعیین‌کننده‌های روان‌شناختی و سیاسی مدارای سیاسی ناچیز است. روبرت پوزتیک (۲۰۰۷) در پایان‌نامه دکتری خود تأثیر دین و دینداری را بر مدارای سیاسی سنجیده است. وی نتیجه‌گیری می‌کند که پروتستان‌های انجیلی، در برخی مواضع، از دیگر سنت‌های دینی خیلی زیاد متفاوت نیستند. وی می‌گوید: «در حقیقت من کشف کردم که مذاهب دینی [منظور کاتولیک، پروتستان، ارتدکس] سهم مستقل و [متفاوتی] را در تعیین تعصب سیاسی (عدم مدارای سیاسی) ندارند. در مورد اعتقاد و رفتار دینی، به‌طور کل سطوح بالای دینی بودن به سطوح بالاتری از تعصب منجر می‌شود. به‌خصوص برای کسانی که کتاب مقدس را کلام واقعی خدا می‌دانند. طرفداران ترجمه لفظی کتاب مقدس از هر گروه هدفی متعصب‌ترند» (Postic, 2007: 317). حسین فرزانه‌فر (۱۳۸۳) به شیوه اسنادی و تجزیه و تحلیل کیفی در پایان‌نامه دکتری خود «تساهل و مدارا» را در اندیشه‌های سیاسی اسلام بررسی کرده است. وی نتیجه‌گیری می‌کند که در جهان پر از تضاد و ثنویت کنونی، تنها طریق منحصر به فرد ادامه حیات سیاسی مسلمانان، تمسک به شیوه تساهل و مدارا در سطح ملی و همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح بین‌المللی است.^۱ نقد

۱. برای مطالعه بیشتر رک: بوش (۱۹۹۸)، کارپو (۱۹۹۹)، قریب (۱۳۸۲)، ارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳)، احمدی (۱۳۸۷)، رئیسی عیسی آبادی (۱۳۹۰) و معمار (۱۳۹۱).

اساسی به تحقیقات یادشده غافل شدن آنها در سنجش رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی از تأثیر نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی در تعیین نوع رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی است که به نتایج متناقض در آنها منجر شده است.

چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش از نظریه جامعه‌پذیری سیاسی، و نظریات مرتبط با دین و دموکراسی، به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است. عوامل جامعه‌پذیری سیاسی (عوامل اجتماعی شدن، مانند خانواده، گروه‌های همالان، گروه‌ها و نهادهای مذهبی، رسانه‌های همگانی، حرفه، طبقه و منزلت اجتماعی، گروه‌های نفوذ، احزاب سیاسی و تماس مستقیم با ساختارهای حکومت) از سه طریق عمده، یعنی تقلید، آموزش و انگیزش، در سراسر زندگی فرد عمل می‌کنند. گفته شده است که معرفت، ارزش‌ها و نگرش‌های یک فرد به میزان چشمگیری نتیجه فرایند اجتماعی شدن اوست (راش، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۷؛ آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۴). آلموند و پاول (همان: ۲۵) در بخشی از کتاب *سیاست تطبیقی* با عنوان *جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی* تأثیر دین به‌عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی بر فرهنگ سیاسی را این‌گونه بیان می‌کنند که **مذاهب دنیا، حاملان ارزش‌هایی فرهنگی و اخلاقی‌اند که خواه‌ناخواه پیامدهای سیاسی دارد و بر مسائل سیاسی و سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد...** گروه‌های مذهبی از طریق تأکید بر تقلید، آموزش‌ها و انگیزش‌های خاص خود، نوع دینداری افراد را شکل می‌دهند و پس از آن در فرد معرفت، ارزش‌ها و نگرش‌های خاصی را ایجاد می‌کنند که مجموعه این معرفت‌ها ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌تواند فرهنگ سیاسی فرد باشد که می‌توان تلفیق نظریه جامعه‌پذیری سیاسی آلموند و پاول، و راش را به‌صورت خلاصه در شکل زیر نمایش داد.



اینگلهارت (۱۳۸۷ و ۱۳۸۹) در سازگاری اسلام و دموکراسی به عدم مغایرت ارزش‌ها و آموزش‌ها قرآن با ارزش‌ها و آموزه‌های دموکراسی از جانب محققان و پیمایش ارزش‌های جهانی در موج اول ۲۰۰۱-۱۹۹۹ که در آن مسلمانان حمایت شگفت‌انگیز و گسترده‌ای را از دموکراسی ابراز داشتند، استناد می‌کند. وی در این خصوص می‌نویسد: «گذشته از این حتی اگر فرهنگ «اسلامی» مشترک را بپذیریم، محققان دلیل می‌آورند که ارزش‌ها و آموزه‌های قرآن با

ارزش‌ها و آموزه‌های دموکراسی مغایرتی ندارند» (همان، ۱۳۸۷: ۲۰۲). از نظر تسلر (۲۰۰۲) برحسب اینکه از دین چه قرائت و تفسیری شود، دین می‌تواند با دموکراسی سازگار یا ناسازگار شود. وی می‌گوید: «دانشمندان گزارش می‌کنند که تنوع قابل ملاحظه‌ای در تفسیرهای مطرح‌شده از قوانین دینی توسط دانشمندان مسلمان و متخصصان الهیات وجود دارد که در میان آنها (تفسیرها) جلوه‌هایی از پشتیبانی و حمایت از دموکراسی وجود دارد که بعضی از آنها توسط نظریه‌پردازان اسلامی برجسته می‌شوند... تأثیر دین تا حد بسیار زیادی بستگی به این دارد که [دین] چطور و توسط چه کسی تفسیر شود. نه هیچ تفسیر واحد و پذیرفته‌شده‌ای در بسیاری از موضوعات وجود دارد و نه حتی اجماعی برای اینکه چه کسی از اسلام سخن بگوید، هست.»^۱ در خصوص رابطه نوع قرائت از دین و فرهنگ سیاسی به نظریات توکویل نیز می‌توان اشاره کرد. توکویل (۱۳۴۷) در جلد اول دموکراسی در آمریکا علل لیبرال بودن دموکراسی آمریکایی را برمی‌شمارد. مایه بنیادی فکر توکویل این است که شرط استقرار آزادی به عقیده وی همانا رسوم و اعتقادات آدمیان است و عامل تعیین‌کننده رسوم همانا مذهب است. به نظر توکویل جامعه آمریکایی جامعه‌ای است که توانسته است روح مذهب را با روح آزادی تلفیق کند... حال آنکه در جامعه فرانسه، کلیسا با روح دموکراسی، و مذهب با آزادی مخالفت دارد و تمامی جامعه از این امر دچار نفاق (آرون، ۱۳۸۲: ۲۶۳-۲۵۸). اعضای جامعه باید در کنه وجود خویش از انضباطی اخلاقی که همان ایمان مذهبی است، پیروی کنند (همان: ۲۶۵). بنابر نظریات توکویل می‌توان گفت افزایش ایمان، اعتقاد مذهبی و پایبندی به رسوم اخلاقی مذهبی یا به عبارت دیگر دینداری در جامعه به دموکراتیک‌تر شدن جامعه منجر می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت، برداشت‌های دینداران از مفروضات کلامی، فقهی و اخلاقی دین در نوع فرهنگ سیاسی جامعه دینی تأثیر می‌گذارد و هرگونه برداشتی پذیرای هر نوع فرهنگی نمی‌باشد.. (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۱۱۰). بنابراین فرض نظری مقاله براساس نگاهی انتقادی به نگرش‌هایی که قائل به مانع‌الجمع بودن اسلام و دموکراسی است، این‌گونه است که کلیت‌سازی از دین اسلام از سوی غربی‌ها نادرست است. در درون این دین نیز قرائت‌های متنوعی وجود دارد. به‌گونه‌ای که قرائت دموکراتیک از دین به فرهنگ سیاسی دموکراتیک و قرائت غیردموکراتیک به فرهنگ سیاسی دموکراتیک منجر می‌شود. فهم‌های مختلف از دین به شکل‌گیری ارزش‌ها، علایق و تصورات ذهنی افراد منجر شده و در مرحله بعد این ارزش‌ها و

۱. برای مثال شجاعی‌زند (۱۳۸۱، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴)، براساس تحقیقات خود نتیجه‌گیری می‌کند: «برخلاف لیبرالیسم، اسلام با دموکراسی سازگارتر است». اما کدیور (۱۳۸۵) سازگاری یا ناسازگاری اسلام با دموکراسی را به نوع قرائت از اسلام مرتبط دانسته است.

اعتقادات درونی شده راهنمای عمل افراد در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه سیاست می‌شوند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه ایران که جامعه‌ای دینی است، دین و به تبع آن دینداری از متغیرهای اساسی در تعیین فرهنگ سیاسی افراد است، اما آنچه این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی است، به گونه‌ای که قرائت‌های مشابه از دین و فرهنگ سیاسی به ایجاد رابطه مثبت بین دینداری و فرهنگ سیاسی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت همان‌طور که نوع دینداری افراد براساس نوع قرائت (فهم) از دین می‌تواند سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرایانه باشد، فرهنگ سیاسی افراد را نیز براساس همان ملاک می‌توان به فرهنگ سیاسی سختگیرانه (توسعه‌نیافته)، معتدل (توسعه‌یافته) و تساهل‌گرا (توسعه‌نیافته) دسته‌بندی کرد و نوع قرائت از دین (و به تبع آن دینداری)، و فرهنگ سیاسی که خود انواع دینداری و فرهنگ سیاسی را منجر می‌شوند، بر نوع همبستگی این دو تأثیر دارند، بنابراین قرائت‌های مشابه (سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرا) از فرهنگ سیاسی و دین منجر به همبستگی مثبت بین دینداری و فرهنگ سیاسی می‌شود. ناگفته نماند که نوع فرهنگ سیاسی و به‌ویژه نوع اعتماد سیاسی مورد سنجش در این تحقیق الهام‌گرفته از این نظر لوسین پای (۱۳۷۰) در اثر فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی نیز است که بیان می‌کند: «وجود بی‌اعتمادی گسترده از موانع جدی بر سر راه ایجاد انواعی از سازمان‌های عمومی است که برای توسعه سیاسی ضرورت دارند. مانع جدی دیگر در بر سر راه توسعه، حضور گسترده اعتماد غیرانتقادی و کودکانه به حاکمان و همه اشکال اقتدار از بالاست». در این تحقیق به‌طور کل فرهنگ سیاسی سختگیر و تساهل‌گرا، فرهنگ سیاسی توسعه‌نیافته و فرهنگ سیاسی معتدل، فرهنگ سیاسی توسعه‌یافته است.

پس فرضیات تحقیق بدین شکل تدوین می‌شود:

- نوع دینداری در تعیین نوع فرهنگ سیاسی تأثیر دارد، به گونه‌ای که نوع دینداری سختگیرانه به فرهنگ سیاسی سختگیرانه (توسعه‌نیافته) و برعکس نوع دینداری تساهل‌گرایانه به فرهنگ سیاسی تساهل‌گرایانه (توسعه‌نیافته) و دینداری معتدل نیز به فرهنگ سیاسی معتدل (توسعه‌یافته) منجر می‌شود (فرضیه اصلی).
- تأثیر ابعاد نوع دینداری در تعیین نوع فرهنگ سیاسی متفاوت است.
- تأثیر نوع دینداری بر ابعاد فرهنگ سیاسی متفاوت است.

روش تحقیق

جمعیت آماری این پژوهش مردم شهر تهران هستند. براساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز

آمار ایران جمعیت شهر تهران ۸۱۵۴۰۵۱ نفر است که از نظر جنس تقریباً نسبت جمعیت زنان (۴۱۶۲۲۲۵ نفر) و مردان (۴۱۳۰۹۱۵) برابر است.

برای تعیین حجم نمونه از فرمول آماری کوکران (رفعی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸۳) استفاده شد. حجم نمونه با جمعیت آماری ۸۱۵۴۰۵۱ نفر ۳۸۴ نفر برآورد شد. در این تحقیق از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی استفاده شد (دواس، ۱۳۸۵؛ رفعی‌پور، ۱۳۷۸). به‌منظور انتخاب نمونه‌ها ابتدا نسبت جمعیت هر منطقه در کل جمعیت محاسبه شده، سپس برای انتخاب تصادفی افراد در هر منطقه اقدام به انتخاب تصادفی بلوک یا بلوک‌های مسکونی در آن منطقه می‌شود. با توجه به توان پرسشگران و بودجه تحقیق تعداد ۶۰ بلوک تصادفی متناسب با جمعیت هر منطقه در جمعیت کل انتخاب شد و از هر بلوک با ۷ نفر با ابزار پرسشنامه مصاحبه بسته انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ انجام گرفت. برای بررسی اعتبار گویه‌ها به دو روش مراجعه به تحقیقات پیشین و اعتبار صوری و اعتبار سازه (تجربی) عمل شده است. آلفای کرونباخ برای گویه‌های نوع دینداری و نوع فرهنگ سیاسی به ترتیب برابر با ۰/۷۲ و ۰/۷۵ است که نشان‌دهنده پایایی مناسب این گویه‌هاست.

تعاریف متغیرها

فرهنگ سیاسی عبارت است از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها، احساسات و ارزیابی‌های افراد از نظام سیاسی و نقش خود این افراد در این نظام سیاسی (Diamond, 1994: 7). فرهنگ سیاسی دارای ابعاد زیر است: ۱. مدار (تساهل) سیاسی، ۲. برابری، ۳. آزادی و ۴. اعتماد سیاسی^۲ (Almond & Verba, 1963; Sills, 1972; Diamond, 1994; Barrie, 1997; Grant, 1998)؛ و اینگلهارت، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی مورد نظر در این تحقیق براساس نوع قرائت و فهم از فرهنگ سیاسی و کیفیت پایبندی به ابعاد آن سه نوع سختگیرانه (توسعه‌نیافته)، معتدل (توسعه‌یافته) و تساهل‌گرایانه (توسعه‌نیافته) است؛ یعنی اینکه افراد در مواجهه با ابعاد فرهنگ سیاسی یا سخت می‌گیرند یا اعتدال را رعایت می‌کنند یا تساهل‌گرایانه عمل می‌کنند. این سه نوع فرهنگ یا مستقیماً ریشه در فهم یا قرائت افراد از خود فرهنگ سیاسی دارد یا اینکه عوامل جامعه‌پذیری همچون دین، این فهم و قرائت را حاصل کرده و به افراد منتقل می‌کنند. فرهنگ سیاسی سختگیرانه (نمرات بالا) و تساهل‌گرایانه (توسعه‌نیافته، نمرات پایین) دو سر یک طیف در نظر گرفته شده‌اند. همچنین فرهنگ سیاسی معتدل (توسعه‌یافته، نمرات

1. SPSS

۲. براساس پیشینه نظری مطالعات مربوط به فرهنگ سیاسی، بیشترین تأکید بر این ابعاد از فرهنگ سیاسی شده است. همچنین پرکاربردترین ابعاد از فرهنگ سیاسی‌اند که نشان از میزان بالای توافق در مورد ابعاد فرهنگ سیاسی در بین محققان دارد.

میانی) حد وسط فرهنگ سیاسی سختگیرانه و تساهل‌گرایانه در نظر گرفته می‌شود. همین تقسیم‌بندی انواع فرهنگ سیاسی و نمره‌گذاری در ابعاد هم بکار رفته است. تمام گویه‌ها در طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. به گزینه‌های پنج درجه‌ای «کاملاً موافق»، «موافق»، «بینابین»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» نمرات ۵ تا ۱ تقسیم می‌گردد. فرهنگ سیاسی در این تحقیق دارای چهار بعد مدارا با معرف «نسبت به آراء و نظرات مخالف» و با گویه‌های: «از نظر من در انتقاد از آراء و نظرات شخصیت اول مملکت (رهبری) از جانب مخالفان باید محدودیت قائل بود» و «از نظر من طرح و بیان عقاید و اندیشه‌های مخالف با رهبری در رسانه‌ها ایراد دارد»؛ برابری با معرف‌های «نخبگان سیاسی»، «زنان و مردان» و «مخالفان» و با گویه‌های: «از نظر من مقام ولایت فقیه (رهبری) در نظام سیاسی ایران حق امر و نهی به مردم را دارد»، «از نظر من زنان حق دارند در تمامی عرصه‌ها از جمله عرصه سیاسی با مردان برابر باشند» و «از نظر من کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند نیز باید بتوانند پست‌های سیاسی مهم را عهده‌دار شوند»، آزادی با معرف‌های «نشر» و «رفتار و عمل مردم» و با گویه‌های: «از نظر من نویسندگان و ناشران حق دارند هر مطلبی را ولو مخالف با ارزش‌های نظام سیاسی ایران نوشته، نشر و ترویج نمایند» و «از نظر من مردم حق دارند در اعمال و رفتارهای خود آزاد باشند و حکومت حق نظارت بر اعمال و رفتارهای آنها را ندارد» و اعتماد با معرف‌های «نظام بین‌الملل»، «سیاست‌ای نظام» و «نخبگان سیاسی» و با گویه‌های: «از نظر من مشکلات اصلی کشور ما نشأت گرفته از مستکبرین از جمله آمریکا است»، «از نظر من باید از نهضت‌ها (جنبش‌ها)ی آزادی‌بخش (مثلاً حزب ... لبنان) به هر قیمتی که شده حمایت کرد» و «از نظر من تدابیر رهبری در اداره امور کشور قابل اعتماد است»، می‌باشد.

نوع دینداری افراد براساس نوع قرائت یا فهم (سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرایانه) از دین سه نوع سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرایانه است. این سه نوع دینداری یا مستقیماً ریشه در فهم یا قرائت خود افراد از دین دارد یا اینکه عوامل جامعه‌پذیری این فهم و قرائت را حاصل کرده و به افراد منتقل می‌کنند. منظور از سه نوع دینداری سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرایانه، کیفیت یا چگونگی پایبندی افراد به ابعاد مورد نظر دینداری است؛ یعنی اینکه افراد در مواجهه با ابعاد دینداری یا سخت می‌گیرند یا اعتدال را رعایت می‌کنند یا تساهل‌گرایانه عمل می‌کنند. ابعاد مورد نظر نوع دینداری همان ابعاد میزان دینداری شجاعی‌زند (۱۳۸۴) است که عبارت‌اند از: اعتقادات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات (همان: ۵۳).

۱. در تبدیل ابعاد فرهنگ سیاسی به معرف‌ها و گویه‌ها از تحقیقات کتابی و همکاران (۱۳۸۰)، سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳)، مهدی‌زاده (۱۳۸۷) و خانیکی و سرشار (۱۳۹۱) بهره گرفته شده است.

در دینداری سختگیرانه افراد در مواجهه با ابعاد دینداری معمولاً زیاده‌روی می‌کنند که اصطلاحاً سخت گرفتن است. این نوع دینداران عمل دینی خود را نوعی پایبندی تمام و کامل به ابعاد مختلف دین می‌دانند، درحالی‌که آنچه مورد تأکید دین است، عمل دینی معتدل است. در دینداری معتدل افراد در مواجهه با ابعاد دینداری میانه‌رو هستند. سرلوحه این نوع دینداری «خیرالامور اوسطها» یعنی بهترین امور، حد وسط و میانه و حالت اعتدال آنهاست. شاید بتوان گفت که این نوع دینداران به این گفته مرحوم آیت ا... بهجت پایبندند که در توصیه به مردم می‌فرمودند: «عمل به واجبات و ترک محرمات». دیندار تساهل‌گر برخلاف دیندار سختگیر امور دینی را بسیار کم‌اهمیت می‌داند و حتی بعضاً انجام ندادن امور دینی و عدم پایبندی به بعضی از ابعاد را برای خود مجاز می‌داند.

جدول ۱. شاخص‌ها، معرفی‌ها و گویه‌های ابعاد نوع دینداری

ابعاد و خرده ابعاد	معرف‌ها	سنج‌ها
اعتقادات	اعتقاد به شفاعت ائمه	۱. شفاعت ائمه کلید پاک شدن و بخشودگی گناهان است. ۱. کاملاً موافق (نمره ۵) ۲. موافق (۴) ۳. بینابین (۳) ۴. مخالف (۲) ۵. کاملاً مخالف (۱)
	اعتقاد به کفایت دین	۲. متن قرآن و کتاب‌های اسلامی (نهج‌البلاغه، مفاتیح‌الجنان و...) حلال مشکلات جوامع است. گزینه‌ها مشابه سؤال قبلی است.
عبادات	نماز	۳. نماز را حتماً باید اول وقت بخوانم.
	فردی	۱. همیشه (نمره ۵) ۲. اغلب اوقات (۳) ۳. گاهی اوقات (۱) ۴. به ندرت (۱) ۵. هرگز (۱) ۴. آیا روزه مستحبی می‌گیرید؟
		روزه
	جمعی	نماز جماعت
اعتکاف		۶. در اعتکاف شرکت می‌کنم. ۱. هر سال (۵) ۲. اکثر سال‌ها (۴) ۳. بعضی سال‌ها (۳) ۴. به ندرت (۲) ۵. هرگز (۱)

۷. آیا شما در زندگی و ارتباط با دیگران دروغ می‌گویید؟ ۱. همیشه (۱) ۲. اغلب اوقات (۱) ۳. گاهی اوقات یا به ندرت در موارد خاص (مثلاً برای آشتی دادن بین دو نفر) (۳) ۴. در هیچ شرایطی دروغ نمی‌گویم (۵)	دروغ	اخلاقی عمل کردن	
۸. آیا از خطای دیگران در حق خود می‌گذرید؟ ۱. همیشه (۱) ۲. اغلب مواقع (۳) ۳. گاهی اوقات (۵) ۴. به ندرت (۵) ۵. هرگز (۵)	گذشت		
۹. آیا اجازه می‌دهید کسی در حضور شما عیب فرد دیگری را بازگو کند؟ ۱. همیشه (۱) ۲. اغلب اوقات (۱) ۳. گاهی اوقات و یا به ندرت در موارد خاص (مثلاً به منظور کمک به حل مشکلی) (۳) ۴. در هیچ شرایط و منظوری اجازه نمی‌دهم (۵)	غیبت		
۱۰. ارتباط با نامحرم به هر شکلی، از نظر من ممنوع است. ۱. کاملاً موافق (نمره ۵) ۲. موافق (۴) ۳. بینابین (۳) ۴. مخالف (۲) ۵. کاملاً مخالف (۱)	ارتباط با نامحرم	تکالیف فردی	
۱۱. من در امور زندگی از مراجع و علمای دین الگو می‌گیرم. ۱. خیلی زیاد (نمره ۵) ۲. زیاد (۴) ۳. متوسط (۳) ۴. کم (۲) ۵. خیلی کم (۱) ۶. اصلاً الگو نمی‌گیرم (۱)	تقلید		
۱۲. من باید خانواده خود را امر به معروف و نهی از منکر بکنم و این یک تکلیف شرعی است. ۱. کاملاً موافق (نمره ۵) ۲. موافق (۴) ۳. بینابین (۳) ۴. مخالف (۲) ۵. کاملاً مخالف (۱)	امر به معروف و نهی از منکر	شرعیات	
۱۳. شرط من برای رفت‌وآمد با دوستان یا فامیل این است که مذهبی باشند. ۱. خیلی زیاد (نمره ۵) ۲. زیاد (۴) ۳. متوسط (۳) ۴. کم (۲) ۵. خیلی کم (۱) ۶. اصلاً نباید مذهبی باشد (۱)	تعاملات		
۱۴. فرد مورد انتخاب من برای ازدواج مذهبی است یا خواهد بود. ۱. خیلی زیاد (نمره ۵) ۲. زیاد (۴) ۳. متوسط (۳) ۴. کم (۲) ۵. خیلی کم (۱) ۶. اصلاً نباید مذهبی باشد (۱)	ازدواج		
۱۵. من در جلسات عزاداری، سرور و هیأت‌های مذهبی شرکت می‌کنم. ۱. خیلی زیاد (نمره ۵) ۲. زیاد (۴) ۳. متوسط (۳) ۴. کم (۲) ۵. خیلی کم (۱) ۶. اصلاً شرکت نمی‌کنم (۱)	شرکت در مجالس عزاداری و سرور		

شایان ذکر است که دینداری سختگیرانه (نمرات بالا) و تساهل‌گرایانه (نمرات پایین) همانند فرهنگ سیاسی، دو سر یک طیف در نظر گرفته شده‌اند. همچنین دینداری معتدل حد وسط (نمرات میانی) دینداری سختگیرانه و تساهل‌گرایانه در نظر گرفته می‌شود. تمامی گویه‌ها در طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. همین تقسیم‌بندی انواع دینداری، در ابعاد هم بکار رفته است.^۱

یافته‌های توصیفی

جدول ۲ فراوانی نسبی، مطلق، میانگین نمره نوع دینداری افراد را در ابعاد و در کل دینداری نشان می‌دهد. براساس جدول ۲ نمره میانگین اعتقادات افراد از دیگر ابعاد بالاتر و نمره عبادیات از دیگر ابعاد پایین‌تر است. اما در کل نمره میانگین کل و نسبت دینداران معتدل (۸۴/۹) نشان می‌دهد اکثریت افراد در اکثریت ابعاد مختلف دینداری معتدل هستند.

جدول ۲. توزیع فراوانی، میانگین شاخص نوع دینداری و ابعاد آن

میانگین از ۳	کل		تساهل‌گرایانه		معتدل		سختگیرانه		نوع دینداری ابعاد نوع دینداری
	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	
۲/۸	۱۰۰	۳۸۱	۳/۴	۱۳	۱۱	۴۲	۸۵/۶	۳۲۶	اعتقادات
۱	۱۰۰	۳۷۶	۹۶/۵	۳۶۳	۳/۲	۱۲	۰/۳	۱	عبادیات
۱/۸	۱۰۰	۳۸۰	۳۴/۷	۱۳۲	۵۵/۳	۲۱۰	۱۰	۳۸	اخلاقیات
۲/۲	۱۰۰	۳۸۰	۱۱/۶	۴۴	۵۵/۳	۲۱۰	۳۳/۲	۱۲۶	شرعیات
۱/۹	۱۰۰	۳۷۱	۱۱/۶	۴۳	۸۴/۹	۳۱۵	۳/۵	۱۳	نوع دینداری

جدول ۳ به توصیف نوع فرهنگ سیاسی می‌پردازد. در کل بیشتر (۶۲/۹ درصد) افراد دارای فرهنگ سیاسی معتدل هستند و میانگین نمره فرهنگ سیاسی نیز این مطلب را نشان می‌دهد، به عبارت دیگر این بدان معناست که میانگین نمره افراد در ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی نشان از اعتدال دارد و در بیشتر ابعاد جانب اعتدال را رعایت می‌کنند. به عبارت دیگر، در مؤلفه‌های مختلف فرهنگ سیاسی نه سختگیرند و زیاده‌روی می‌کنند و نه تساهل‌گرایانه برخورد می‌کنند. نسبت افراد دارای نوع فرهنگ سیاسی سختگیرانه و تساهل‌گرایانه مساوی است.

۱. در سنجش نوع دینداری و فرهنگ سیاسی به صورت یک طیف از قسمت روش‌شناسی تحقیقات سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) و احمدی (۱۳۹۰) بهره گرفته شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی، میانگین شاخص نوع فرهنگ سیاسی و ابعاد آن

میانگین از ۳	کل		تساهل‌گرایانه		معتدل		سختگیرانه		نوع فرهنگ سیاسی ابعاد نوع فرهنگ سیاسی
	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	
۱/۵	۱۰۰	۳۸۳	۴۹/۱	۱۸۸	۵۰/۹	۱۹۵	۰	۰	مدارا
۲	۱۰۰	۳۸۳	۲۴/۵	۹۴	۵۲/۵	۲۰۱	۲۳	۸۸	برابری
۲/۳	۱۰۰	۳۸۴	۱۴/۳	۵۵	۳۹/۳	۱۵۱	۴۶/۴	۱۷۸	آزادی
۲	۱۰۰	۳۸۱	۲۶/۵	۱۰۱	۴۳/۶	۱۶۶	۲۹/۹	۱۱۴	اعتماد
۲	۱۰۰	۳۸۰	۱۸/۷	۷۱	۶۲/۹	۲۳۹	۱۸/۴	۷۰	نوع فرهنگ سیاسی

یافته‌های تبیینی

براساس جدول ۴ ضریب همبستگی^۱ نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی قوی، مثبت و معنادار است که بیانگر اثبات فرضیه اصلی تحقیق است؛ بدین معنا که با افزایش نمره نوع دینداری افراد و سختگیرشدنشان در دینداری نمره نوع فرهنگ سیاسی‌شان هم افزایش می‌یابد و فرهنگ سیاسی‌شان هم به سمت سختگیری میل می‌کند و برعکس. همین رابطه بین ابعاد مختلف دینداری با نوع فرهنگ سیاسی وجود صدق می‌کند. از بین ابعاد نوع دینداری بعد شرعیات و اخلاقیات به ترتیب قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه را با نوع فرهنگ سیاسی دارند.

جدول ۴. ضریب همبستگی نوع دینداری و ابعاد آن با شاخص نوع فرهنگ سیاسی

نوع دینداری و ابعاد آن	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نوع دینداری	۰/۵۵	۰/۰۰
اعتقادات	۰/۳۹	۰/۰۰
عبادیات	۰/۳۴	۰/۰۰
اخلاقیات	۰/۱۵	۰/۰۰
شرعیات	۰/۵۳	۰/۰۰

براساس جدول ۵ نوع دینداری افراد با ابعاد نوع فرهنگ سیاسی نیز رابطه مثبت و معناداری دارد. بیشترین همبستگی نوع دینداری با نوع اعتماد و کمترین همبستگی با بعد برابری فرهنگ سیاسی است.

۱. هرچند نوع دینداری و نوع فرهنگ سیاسی در وهله اول متغیرهای اسمی‌اند، در این تحقیق با توجه به اینکه اولاً تعداد گویه‌ها و به تبع دامنه نمره‌ها افزایش یافته و ثانیاً چون در واقع میزان سختگیری و تساهل‌گرایی در دینداری و فرهنگ سیاسی سنجیده شده است، به گونه‌ای که نمره بالا نشان از سختگیری و نمره پایین نشان از تساهل‌گرایی در دینداری و فرهنگ سیاسی دارد، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۵. ضریب همبستگی نوع دینداری با ابعاد نوع فرهنگ سیاسی

ابعاد نوع فرهنگ سیاسی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
مدارا	۰/۳۲	۰/۰۰
برابری	۰/۳۰	۰/۰۰
آزادی	۰/۳۵	۰/۰۰
اعتماد	۰/۵۵	۰/۰۰

آزمون رگرسیون برای نوع فرهنگ سیاسی

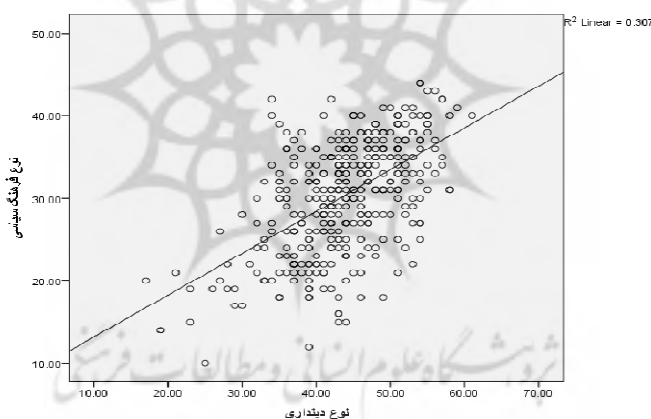
نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون که در جدول ۶ موجود است.

جدول ۶. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نوع فرهنگ سیاسی

(Constant)	(B)	(β)	(R^2)	(R)	(Sig)
۸/۱۳	۰/۵۱	۰/۵۵	۰/۳۱	۰/۵۵	۰/۰۰۰

نمودار پراکنش و معادله معمولی رگرسیون این رابطه که خطی است در ادامه قابل مشاهده

است:



نمودار پراکنش نوع فرهنگ سیاسی بر حسب نوع دینداری

بررسی فرضیه اصلی تحقیق با معادله رگرسیون خطی: (نوع دینداری) $y = 8/13 + 0/51x$

در معادله بالا اگر نوع دینداری آزمودنی‌ها به اندازه ۱ نمره افزایش یابد، ۰/۵۱ به نمره نوع فرهنگ سیاسی آنها افزوده می‌شود. معادله استاندارد رگرسیون زیر نشان می‌دهد که تأثیر خالص (استاندارد) نوع دینداری بر نوع فرهنگ سیاسی برابر با ۰/۵۵ است. با توجه به اینکه یک متغیر مستقل داریم، مقدار بتا β با ضریب همبستگی برابر می‌شود.

معادله استاندارد رگرسیون: $y = 8/13 + 0/51x$ (نوع دینداری)

بنابر نتایج مذکور، می‌توان گفت که فرضیه اصلی تحقیق که نوع فرهنگ سیاسی را متأثر از نوع دینداری می‌داند، تأیید شده است.

نتیجه

مسئله این تحقیق وجود نتایج متناقض در سنجش رابطه دینداری و فرهنگ سیاسی بود که گمان می‌رفت ناشی از بی‌توجهی به قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی است. در بعضی تحقیقات با عناوین مختلف، دینداری را عاملی مثبت در توسعه فرهنگ سیاسی و تحقیقات دیگر دینداری را عاملی بی‌تأثیر، ضعیف یا منفی در توسعه فرهنگ سیاسی می‌دانند. فرضیه اصلی این تحقیق براساس نظریات جامعه‌پذیری سیاسی و نظریات مرتبط با رابطه دین و دموکراسی بدین صورت تدوین شد که نوع دینداری در تعیین نوع فرهنگ سیاسی تأثیر دارد، به‌گونه‌ای که نوع دینداری سختگیرانه به فرهنگ سیاسی سختگیرانه و برعکس نوع دینداری تساهل‌گرایانه به فرهنگ سیاسی تساهل‌گرایانه و دینداری معتدل نیز به فرهنگ سیاسی معتدل منجر می‌شود. براساس نظریات مطرح‌شده در چارچوب نظری تحقیق، فرضیات تحقیق این‌گونه تبیین‌شده شد که **مذاهب دنیا، حاملان ارزش‌هایی فرهنگی و اخلاقی‌اند که خواه‌ناخواه پیامدهای سیاسی دارد و بر مسائل سیاسی و سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد.** گروه‌های مذهبی از طریق تأکید بر تقلید، آموزش‌ها و انگیزش‌های خاص خود، فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را براساس آموزه‌ها، ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی رقم می‌زنند و در عین حال نوع دینداری افراد را شکل می‌دهند و پس از آن در فرد معرفت، ارزش‌ها و نگرش‌های خاصی را ایجاد می‌کنند که مجموعه این معرفت‌ها ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌تواند فرهنگ سیاسی فرد را شکل دهد. اما برحسب اینکه از دین چه قرائت و تفسیری شود، دین می‌تواند با دموکراسی سازگار یا ناسازگار شود یا اینکه به توسعه فرهنگ سیاسی یا عدم توسعه آن بینجامد. بنابراین می‌توان گفت، اینکه کدام‌یک از ارزش‌ها، معارف، آموزه‌ها و حتی اعمال عبادی برجسته شوند و به‌عنوان دینداری در افراد نهادینه شوند به نوع قرائت و فهم از دین بستگی دارد، قرائت و فهمی که نتیجه تلاش و درک خود افراد است یا نتیجه جامعه‌پذیری سیاسی آنهاست. اما در هر دو حالت نیروهای اجتماعی و شرایط ساختاری در فهم و قرائت افراد مؤثرند، قرائت‌ها و فهم‌های مختلفی از دین متصور است، که سه قرائت و فهم اصلی، فهم و قرائت سختگیرانه، معتدل و تساهل‌گرایانه از دین است که در فرهنگ سیاسی هم می‌تواند صادق باشد. داده‌های این تحقیق فرضیات مذکور را تأیید کرد. براساس یافته‌های تحقیق نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی رابطه معنادار دارد، به‌گونه‌ای که با افزایش نمره نوع دینداری و شکل‌گیری دینداری سختگیرانه نمره نوع فرهنگ سیاسی هم افزایش می‌یابد و به سمت

فرهنگ سیاسی سختگیرانه (توسعه‌نیافته) حرکت می‌کند و برعکس با کاهش نمره نوع دینداری، دینداری افراد به سمت تساهل‌گرایی حرکت کرده و در نتیجه فرهنگ سیاسی افراد هم تساهل‌گرا (توسعه‌نیافته) می‌شود و نمره‌های میانی هم که نشان از دینداری معتدل دارند، به فرهنگ سیاسی معتدل (توسعه‌یافته) منجر می‌شوند. اثبات این فرضیه نشان می‌دهد نوع قرائت و فهم از دین و فرهنگ سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین رابطه نوع دینداری با نوع فرهنگ سیاسی دارد. از بین ابعاد نوع دینداری، بعد شرعیات نسبت به ابعاد دیگر نوع دینداری همبستگی قوی‌تری با نوع فرهنگ سیاسی دارد. به عبارت دیگر سختگیری، اعتدال و تساهل‌گرایی در دینداری به دلیل عملی بودن و تأکید زیاد جامعه بر بعد شرعیات، بیشتر خود را در بعد شرعیات نشان می‌دهد. سختگیری، اعتدال یا تساهل‌گرایی در دینداری بیش از همه ابعاد فرهنگ سیاسی با بعد اعتماد سیاسی که شامل معرف‌های اعتماد به نخبگان سیاسی، اعتماد به نظام بین‌الملل و سیاست‌های نظام همبستگی دارد، این رابطه بدین دلیل است که در نظام‌های سیاسی دینی، به دلیل دینی بودن نظام امکان افراط در اعتماد به نظام یا به قول لوسین پای اعتماد کودکانه یا غیرانتقادی به حاکمان شکل می‌گیرد و در مقابل بی‌اعتمادی گسترده به بیشتر مردم و بیگانگان شکل می‌گیرد.

نتیجه اساسی این مقاله این است که فرهنگ سیاسی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابعاد توسعه سیاسی در جوامع مختلف که متأثر از دین است - و به‌ویژه در ایران که نظامی دینی حاکم است و اهمیت عامل دین را دوچندان می‌نماید- در سطح خرد بسیار متأثر از سبک یا نوع دینداری افراد است. بنابراین به‌منظور توسعه فرهنگ سیاسی برای نیل به توسعه سیاسی نیاز ضروری وجود دارد که خوانش‌ها و تفسیرها یا قرائت‌های دینی مورد توجه قرار گیرد و تا زمانی که تکلیف قرائت و فهم از دین مشخص نشود و قرائت‌های معتدل از دینداری حاصل نشود، فرهنگ سیاسی نیز به سمت اعتدال پیش نخواهد رفت، بنابراین توسعه سیاسی هم اگر نگوییم محقق نمی‌شود، به‌کندی پیش می‌رود.

در پایان پیشنهاد می‌شود، رابطه نوع دینداری با ابعاد دیگری از فرهنگ سیاسی همچون مشارکت به‌طور گسترده‌تر از پایین‌ترین سطح (رأی دادن) تا بالاترین سطح (داشتن مقام سیاسی یا اداری) بررسی شود. همچنین رابطه نوع دینداری و نوع فرهنگ سیاسی به‌صورت تاریخی در برهه‌های مختلف مثلاً از زمان پهلوی تا به حال یا بین گرایش‌های مختلف سیاسی بررسی شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۲). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی (متن بازبینی‌شده)، ترجمه باقر پرهام، چ ششم،

- تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آزاد ارمکی، تقی؛ غیاثوند، احمد (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*. تهران: آن.
 ۳. آگبرن، ویلیام ومی یر نیمکف (۱۳۴۵). *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس از ا.ح. آریانیور، چ دوم، تهران: دهخدا.
 ۴. آلموند، گابریل؛ بینگهام پاوول، جونور (۱۳۷۵). «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ترجمه علیرضا طیب، بهمن و اسفند، ش ۱۱۳ و ۱۱۴.
 ۵. احمدی، یعقوب (۱۳۸۷). *دموکراتیزاسیون فرهنگ سیاسی در میان شهروندان سنجی و عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
 ۶. افشانی، سید علیرضا (۱۳۸۰). *بررسی چگونگی تساهل سیاسی در شکل‌های دانشجویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۷. اینگلهارت، رونالد، پپیا نوریس (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
 ۸. اینگلهارت، رونالد؛ کریستین، ولزل (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
 ۹. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
 ۱۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
 ۱۱. ----- (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، دوره جمهوری اسلامی، تهران: نگاه معاصر.
 ۱۲. بیات‌ریزی، رضا (۱۳۷۹). *بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
 ۱۳. پای، لوسین (۱۳۷۰). «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، پاییز و زمستان، ش ۵ و ۶.
 ۱۴. توکویل، الکسی دو (۱۳۴۷). *تحلیل دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت ا... مقدم، تهران: زوار.
 ۱۵. جهانگیری، جهانگیر؛ ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه شیراز»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، ش ۴، پاییز.
 ۱۶. حق‌خواه، مؤگان (۱۳۸۵). *بررسی فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مؤثر بر آن در دانشگاه تربیت معلم تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم.
 ۱۷. دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۲). *پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۸. دواس، دی ای (۱۳۸۵). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، چ هفتم، تهران: نی.
 ۱۹. راش، مایکل (۱۳۹۱). *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چ ۱، تهران: سمت.
 ۲۰. ربیعی، علی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶*، تهران: فرهنگ و اندیشه.
 ۲۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *کندوکاوها و پنداشت‌ها*، چ دهم، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
 ۲۲. رئیس‌عیسی آبادی، شهاب (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر دینداری بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: مردم شهر فارس)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران.
 ۲۳. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). *عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
 ۲۴. ----- (۱۳۸۶). *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۲۵. شایگان، فریبا (۱۳۸۶). *بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی*، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۲۶. شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، ش ۱.

۲۷. شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۸. شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۷). «نقش روشنفکری دینی در عرفی شدن: منع یا تسهیل»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال اول، ش ۴.
۲۹. ----- (۱۳۹۱). «مصادر دینی آزادی و عدالت»، چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی - آزادی، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، ص. ۲۳۳-۱۹۹.
۳۰. ----- (۱۳۹۴). دین در زمانه و زمینه مدرن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۴). «فهم فرهنگ سیاسی»، سیاست خارجی، سال نهم، ش ۴، زمستان.
۳۲. فرزانه‌فر، حسین (۱۳۸۳الف). «تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام»، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۳. فرزانه‌فر، حسین (۱۳۸۳ب). «تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام»، مجله مطالعات اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، ش ۶۳.
۳۴. قریب، حسین (۱۳۸۲). «مرزهای تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام، همایش خورشید شهادت»، مجموعه مقالات هشتمین همایش بررسی ابعاد زندگانی امام حسین(ع)، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۳۵. کدیور، محسن (۱۳۸۵). «اسلام و دموکراسی، سازگاری یا ناسازگاری»، آیین، اردیبهشت، ش ۳.
۳۶. کوئن، بروس (۱۳۸۱). «مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، ج سیزدهم، تهران: سمت.
۳۷. گلچین، مسعود؛ حق‌خواه، مژگان؛ سیدی، فرشته (۱۳۸۷). «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مرتبط با آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تابستان، ش ۶۱.
۳۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ج پانزدهم، تهران: نی.
۳۹. معمار، رحمت‌الله (۱۳۹۱). «جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی: تحلیل تطبیقی درون کشوری از مشارکت انتخاباتی در ایران، تهران: امیرکبیر.
۴۰. میرموسوی، سید علی (۱۳۷۵). «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی»، نقد و نظر، تابستان و پاییز، ش ۷ و ۸.
۴۱. نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۷۳). «مبانی جامعه‌شناسی، ج چهارم، تهران: رایزن.

(ب) خارجی

42. Almond Gabriel A. and Sidney Verbal (1963). **Civil Culture**; Princeton: Princeton University Press.
43. Almond, G.A (1956). "comparative political systems", Journal of politics; 18.
44. Barrie, Oxford, et al (1997). **Politics; An introduction**, Rutledge, London: New York.
45. Busch, Beverly.G (1998). **Faith, Truth, and Tolerance: Religion and Political Tolerance in the United States**; dissertation for the Degree Doctor of Philosophy (political science); University of Nebraska, Lincoln.
46. Diamond, Larry (1994). **Political Culture and Democracy in developing country**; united state, Ivne publishers inc.
47. Eisenstein.A, Marie (2006). "Rethinking the Relationship between Religion and Political Tolerance in the US", Polit Behav , 28:327-348.
48. Garcia-Rivero Carlos, Hennie Kotzé and Pierre Du Toit (2002), "Political culture and democracy: The South African case", Politikon: South African Journal of Political Studies, 29:2.
49. Glock, Charles Y. & Rodney Stark (1965). **Religion and Society in Tension**; Chicago: Rand McNally & Company.
50. Grant, Z (1998), **The Borden of diversity promoting multicultural tolerance**, May, 4.
51. Himmelfarb, Harold S (19975). "Measuring religious involvement", Social Forces, Vol. 53, No. 4.
52. Karpov, Vyacheslav (1999). "Religiosity and Political Tolerance in Poland", Sociology of Religion, Vol. 60, No. 4, Winter; pp. 387-402.
53. Lipset, Seymour Martin (1981). **Political Man**; Baltimore, John Hopkins.

54. ----- (1964). **Religion and Politics in the American Past and Present. In Religion and Social Conflict**, edited by R. Lee and M. Marty. New York: Oxford University Press.
55. Postic Robert.k (2007). 2007; political tolerance: the effects religion and religiosity, **dissertation for the Degree Doctor of Philosophy (political science)**; Wayne State University, Detroit, Michigan.
56. Pye, L.W. and Verba, S. (1965). **Political Culture and Political Development**, Princeton University Press.
57. Rosenboun, Walter (1975), **Political Culture**, New York: Preaeger Publisher.
58. Rostow, Walt Whitman (1960). **The Stages of Economic Growth: A non-communist manifest** , .Cambridge University Press
59. Sills, David (1972). **International encyclopedia of the social science**; Vol. II, The Macmillan Company and the press New York.
60. Tessler, Mark (2002). **“Islam and Democracy in the Middle East: The Impact of Religious Orientations on Attitudes toward Democracy in Four Arab Countries”**, Comparative Politics, Vol. 34, No. 3 .Apr.

